

اصول محاکمات حقوقی

ولی امروز چنین تعبیری درست نیست زیرا همانطور که لاحق مختلط (مرکب از عینی و شخصی) نداریم همینطور هم نمیتوانیم دعوای مختلط داشته باشیم. چیزی که هست در بعضی موارد سبب واحدی در عین حال یک حق شخصی و یک حق عینی برای کسی ایجاد میکند و فقط در اینگونه موارد ممکن است مسامحه در تعبیر نموده دعوی را مختلط بنامیم.

دعوی مختلط را می توانیم بدو قسمت تقسیم

کنیم.

قسم اول

دعوی که بمنظور اجراء تعهد ناشی از معامله غیر منقول اقامه میشود.

مثلا من مال غیر منقولی را میخرم بموجب قسمت

اول ماده ۳۹۲ قانون مدنی مالک مبیع میگردم.

پنا بر این در صورت عدم تسلیم مبیع حق خواهم داشت

بهتوان حق عینی غیر منقول بر بایع دعوی کرده.

ولی چون از طرف دیسگر بموجب شق ۳ همین ماده

عقد بیع بایع را بتسلیم مبیع ملزم مینماید حق خواهم

داشت بعنوان دعوای شخصی بایع رجوع کرده و تقاضای

تسلیم مبیع را از نظر تهیدی که بایع نموده است بنمایم

نمره عملی اینگونه دعوای این است که در عین حال میتوان

آنها را از جهت مالکیت غیر منقول در دادگاه محل

وقوع ملک اقامه نمود و از جهت حق شخصی که نسبت

بتسلیم مبیع برای مشتری موجود است در محل اقامت مدعی

علیه اقامه کرد.

قسم دوم

مخصوص موردیست که کسی عین غیر منقولی را

زیرا بموجب ماده ۱۰ قانون مدنی قرار دادهای خصوصی نسبت بکسانی که آنها منعقد نموده اند اصولا نافذ است با چنین مجوزی ممکن است فرض کرد که خارج از عقود که ضمن قانون مدنی پیش بینی شده اسباب دیگری ایجاد تعهد نموده و نتیجه میتوان گفت که دعوای شخصی محدود بحد معینی نمیباشد.

درخواست تقسیم آیا دعوای عینی محسوب میشود

یا دعوای شخصی؟

بموجب ماده ۵۸۹ قانون مدنی هر شریک المال

میتواند هر وقت بخواهد تقاضای تقسیم مال مشترک را

بنماید حال فرض میکنیم مال غیر منقولی متعلق بدو نفر

شریک است و یکی از آنها تقاضای تقسیم نموده است آیا

چنین دعوایی عینیت یا شخصی؟

اگر منشاء درخواست تقسیم راجع مالکیت شریک نسبت

بمال مورد شرکت بدانیم باید بگوئیم که چنین دعوایی

عینی است ولی اگر دقیق تر شویم می بینیم که مورد نزاع

حق مالکیت نیست.

شرکاء مطابق فرضی که کردیم مالکیت بکدیگر را

قبول دارند فقط بعنوان شریک تقاضای تقسیم می نمایند

بنابراین میگوئیم که ماده ۵۸۹ قانون مدنی در قبال حقی

که نسبت بتقاضای تقسیم برای شریک قائل شده تهیدی

برای شریک دیگر از جهت قبول این تقاضا مقرر نموده

و این تعهد از جمله دیون محسوب شده بنا بر این دعوی

تقسیم دعوای شخصی است.

در حقوق (رم) در قبال دعوای شخصی و عینی

دعوی دیگری را بعنوان مختلط میشناختند که در عین حال

دارای جنبه عینی و شخصی بوده.

نیز لازم است نباید حتی بکسانیکه خود را دارای حق میدانند اجازه داد شخصاً اجرای عدالت را درباره خود تأمین کرده و اسباب زحمت کسی را که ظاهر است (تصرف) با اوست فراهم نموده یا تصرف او را متزلزل کرده یا آنرا قهراً بتصرف خویش در آورد:

بعضی از علما گفته اند تصرف همیشه با مالکیت جمع نمیشود ممکنست کسی متصرف بوده ولی در عین حال غاصب باشد حال اگر ما بیائیم و بطور عموم از تصرف حمایت کنیم لازم می آید که تصرف غاصب را نیز مورد احترام قرار دهیم - این ایراد وارد نیست زیرا این مورد در عمل کمتر پیش می آید و از موارد استثنائی است و امور استثنائی نمیتواند مانع قبول قاعده کلی که قواعد آن حتمی است بشود به علاوه نظر باینکه تصرف قابل حمایت تصرف بعنوان مالکیت است کمتر اتفاق می افتد که غاصب دارای تصرف بعنوان مالکیت بشود و با فقدان این شرط نمیتواند از دعوی یدعی استغاره نماید.

ثمره عملی بین دعوی ملکیت و دعوی یدعی

۱- از نظر صلاحیت

مقام صلاحیت دار برای رسیدگی بدعوی ملکیت بر حسب نصاب ممکن است دادگاه صلاحیه باشد و یا دادگاه ابتدائی ولی مقام صلاحیت دار برای رسیدگی بدعوی یدعی مطابق قانون جلوگیری از تصرف عدوانی اگر از تاریخ آن بیش از یکماه نگذشته باشد مدعی العموم یا نماینده آنست و در صورتیکه بیش از یکماه گذشته باشد برطبق ماده ۸ اصول محاکمات حقوقی صلاحیه است به علاوه رسیدگی بدعوای مزاحمت که یکی از اقسام دعوی یدعی است برطبق ماده ۱ قانون جلوگیری از تصرف عدوانی از وظایف مأمورین شهربانی و در صورت نبودن آنها فرماندار و بخش دار و در صورت نبودن آنها با امنیه است.

بموجب ماده ۸ اصول محاکمات حقوقی رسیدگی

بدعوی مزاحمت و ممانعت از حق که از اقسام دعوی یدعی

بکسی فروخته و آنرا تسلیم مینماید و ضمن عقد مشتری را ملزم کند که مبیع را در صورت فسخ ببیع تسلیم کند. حال اگر بیع معامله را فسخ کرد حق خواهد داشت از جهت حق مالکیتی که نسبت بمبیع پیدا می کند بلافاصله پس از فسخ دعوی را در محل وقوع ملك اقامه کرده و یا از جهت تعهدی که مشتری نموده است در دادگاه محل اقامت او اقامه نماید.

دعوی ملکیت - دعوی یدعی

دعوی عینی را میتوان بدو قسمت تقسیم نمود:

دعوی ملکیت

دعوی یدعی

دعوی ملکیت آنست که بمنظور حمایت مالکیت غیر منقول و یا سایر حقوق عینی از قبیل حق ارتفاق اقامه میشود باین ترتیب که صاحب حق میتواند اگر حق او مورد نقض واقع شود درخواست کند که احترام آن حق تأمین گردد.

دعوی یدعی آنست که تصرف را حمایت

می نماید.

این اختیار بمتصرف مال غیر منقول و یا متصرف حق دیگری از این جهت داده شده است که اگر کسی مزاحمتی در تصرفی دیگری نمود و یا آنرا از تصرف او خارج کرد متصرف بتواند تقاضا کند که رفع مزاحمت مزاحم بعمل آمده و یا مال بتصرف او برگردد.

حال بینیم حمایت تصرف متصرف عینی بر چه

اصاسی است.

۱ - با حمایت متصرف مالك هم نیز استفاده میکنند زیرا غالباً تصرف مظهر مالکیت بوده و متصرف همان مالك میباشد - بنا بر این با احترام تصرف متصرف حق مالکیت نیز مورد حرمت واقع میشود به علاوه مالك مجبور نخواهد شد برای اعاده تصرف مالکیت خود را ثابت کند همینقدر که تصرف سابق او احراز شد کافی است.

۲ - حمایت متصرف از نظر حفظ انتظام عمومی

مواد ۴۰ و ۴۱ اصول محاکمات حقوقی مقرراتی را جمع
بصرفات عدوانی پیش بینی میکند .

قانون جلوگیری از تصرف عدوانی مصوب ۱۴ و
۱۸ اردیبهشت ۱۳۰۹ در عین حال دعوی مزاحمت و تصرف
عدوانی را از سنخ هم دانسته و حال اینکه در قانون اصول
محاکمات از سنخ مختلف فرض شده اند دادگاهها
دعوی مزاحمت را از سنخ تصرف عدوانی که دعوی بدیست
ندانسته و چنانچه در شماره ۳۹۸ اصول قضائی دیوانعالی
تذییر مصرح است .

برای اثبات دعوی رفع مزاحمت دو شرط را لازم

دانسته اند:

۱ - اثبات یانبوت حق مدعی نسبت به مورد نزاع .

۲ - احراز تصرف او .

چنانچه می بینیم دادگاهها بین رسیدگی ماهوی و
رسیدگی مادی تفکیک نمیکردند فقط حکم شماره ۴۰۱۹
صادر ۱۴ صفر ۱۳۴۴ (شماره ۴۰۰) دلالت دارد بر
اینکه در مورد دعوی رفع مزاحمت دادگاه نباید بدعوی
مالکیت رسیدگی نماید ولو اینکه رسیدگی بدعوی رفع
مزاحمت موقوف بر رسیدگی بسااس مالکیت باشد
بلکه رسیدگی باین موضوع محتاج به رضای علیحده
است .

از مفاد حکم شاید بتوان استنباط نمود که دیوان
عالی تمیز در این تاریخ خواسته است بین رسیدگی مادی
رفع مزاحمت و رسیدگی ماهوی آن تفکیک نماید ولی
غیر از این حکم حکم دیگری که بیروی از آن نهوده
باشد از دیوان عالی تمیز دیدر نشده مضافاً اینکه حکم شماره
۲۳۴۸-۷ بهمن ۳۰۸ صریحاً منع نهوده که احکام تصرف
عدوانی را از جمله محدود نمودن اقامه دعوی تصرف
عدوانی بمدت یکسال از تاریخ تصرف عدوانی ، برفع
مزاحمت سرایت دهند دیوان عالی تمیز میگوید که محدود
نمودن دعوی رفع مزاحمت بمدت یکسال مستند قانونی

است نیز در صلاحیت صلحیه شناخته شده .

۲ - از نظر طرز رسیدگی

دعوی ملکی اگر در حدود صلاحیت محاکم ابتدائی
باشد بطریق عادی ولی دعوی بدی اگر در صلحیه مطرح
شود بطریق اختصاری رسیدگی شده و اگر نزد مدعی -
بالموم طرح گردد رسیدگی بان فوق العاده ساده است -
رسیدگی ماورین انتظامات عمومی نسبت بمزاحمت طبعاً
رسیدگی اداری است و دارای تشریفات نمیباشد .

انسام دعوی بدی - در حقوق فرانسه ۳ قسم دعوی
بدی میشناسند مزاحمت فعلی و مزاحمت مالی و تصرف
عدوانی .

مزاحمت فعلی رفتی است که کسی در تصرفی دیگری
اختلال ایجاد کرده بدون اینکه مال را کلاً یا بعضاً از
تصرف او خارج کند مثلاً همسایه از مزرعه عبور میکند
به عنوان اینکه دارای حق ارتفاق است متصرف میتواند بر
علیه او دعوی کرده تا مانع از مزاحمت او بشود .

۲ - مزاحمت مالی اختیار بست که متصرف حقی
داده میشود برای اینکه رفع مزاحمت مالی دیگری را
بنساید مثلاً من متصرف حق عبوری در ملک همسایه
هستم همسایه مشغول بی کندن برای ساختمان میشود
بطوری که اگر ساختمان برپا شد حق عبور من متزلزل
میگردد در این مورد حق خواهم داشت قبل از اتمام
مزاحمت رجوع کرده و تقاضا کنم که از عملیات او
جلوگیری شود .

۳ - (تصرف عدوانی) که بمتصرف سابق که
دیگری مال را از تصرف او قهراً خارج کرده است داده
میشود و متصرف سابق استقرار مجدد خود را نسبت بان مال
تقاضا مینماید .

اما در ایران اصول محاکمات حقوقی در شق ۴
اشاره به « دعوی مزاحمت کسی از تصرف مالک در
ملك خودش و دعوی ممانعت از حق کسی در ملك دیگری
تموده » و در شق ۵ اشاره بدعوی تصرف عدوانی کرده

ندارد از این بیانات اینطور نتیجه میگیریم که رویه دادگاه ها بر این بوده که تفکیک بین رسیدگی ماهوی و رسیدگی مادی نمایند.

با قانون جلوگیری از تصرف عدوانی که مزاحمت را از سنخ تصرف عدوانی دانسته میتوان امروز گفت که بین دعوای رفع مزاحمت و دعوای تصرف عدوانی تفاوت زیادی وجود نیست بلکه بین آنها جامع مشترکی موجود است که آنها را مطایع مقررات واحدی مینماید.

جامع مشترك مذکور چنانچه در نظامنامه قانون جلوگیری از تصرف عدوانی ذکر شده عبارت از این است که در هر يك از این دو دعوی مقصود مقننین حفظ حقوق متصرف است در مقابل اشخاصی که مزاحم تصرف او شده و میشوند و این دو دعوی در مقابل دعوای ملکیت گذاشته میشود در دعوای یدعی متصرف ملک میخواهد که تصرف او نسبت به مورد ادعا ابقاء و یا مورد ادعا به تصرف او عودت داده شود بدون آنکه اساساً مثله مالکیت مطرح گردد و حال آنکه در دعوای مالکیت و سایر دعوای عینی مثل حق ارتفاق و حق انتفاع مدعی میخواهد ملکیت و یا حق خود را ثابت نماید و موضوع تصرف و خارج از ادعای مدعیست و اگر موضوع تصرف هم مورد نظر باشد به تبعیت حق مالکیت بوده و نه بعنوان مستقل.

لایحه جدید اصول محاکمات حقوقی در مواد ۳۰۴ الی ۳۱۵ اصول محاکمات حقوقی در مبحث قواعد اختصاصی محاکم صلاح مقرراتی را جمیع بدعوی تصرف عدوانی و ممانعت از حق و رفع مزاحمت ذکر نموده.

بموجب ماده ۳۰۴ - دعوی تصرف عدوانی عبارت است از دعوی متصرف سابق که دیگری بدون رضایت او مال غیر منقول را از تصرف او خارج کرده و متصرف سابق اعاده تصرف خود را نسبت به آن مال درخواست می نماید.

بموجب ماده ۳۰۵ - دعوی ممانعت از حق عبارت است از دعوی کسی که رفع ممانعت از حق ارتفاق یا حق انتفاع خود را در ملک دیگری بخواهد.

بموجب ماده ۳۰۶ - دعوی مزاحمت عبارت است از دعوایی که بموجب آن متصرف مال غیر منقول درخواست جلوگیری از مزاحمت کسی را می نماید که نسبت به تصرفات او مزاحمت بدون اینکه مال را از تصرف متصرف خارج کرده باشد.

در ماده ۳۱۱ مقرر کرده که در مورد دعوی تصرف عدوانی و دعوی ممانعت از حق و همچنین در مورد دعوی مزاحمت در گاه مدعی علیه ادعای مالکیت خود یا انکار مالکیت استحقاق مدعی را نماید محکمه وارد دعوی بدلائل مالکیت نمیشود و فقط در خصوص تصرف عدوانی و ممانعت و مزاحمت تحقیق مینماید.

از این مقررات اینطور نتیجه میشود که در لایحه جدید خواسته اند بین رسیدگی ماهوی و رسیدگی مادی مزاحمت و ممانعت از حق تفکیک قائل شده و عناوین مزاحمت و ممانعت از حق را از سنخ دعوی تصرف عدوانی دانسته و جامع مشترکی که همان تصرف است بین آنها فرض شود.

شرایط مقرر برای دعوی تصرف عدوانی بموجب لایحه جدید

قانون اصول محاکمات حقوقی در ماده ۴۰ فقط مقرر نموده بود که دعوی تصرف عدوانی از کسی مسموع است که قبلاً خود و یا قائم مقام او متصرف بوده و عدواناً از تصرف او خارج کرده باشند مشروط بر این که بیش از یکسال از تاریخ تصرف عدوانی نگذشته باشد - نسبت بدعوی مزاحمت و ممانعت از حق شرط یکسال هم ذکر نشده و لسی لایحه جدید شرایط دیگری نیز مقرر نموده.

بموجب ماده ۳۰۷ در دعوی تصرف عدوانی مدعی باید بلاوه شرط مذکور در فوق ثابت کند که مورد دعوی قبل از خارج شدن ملک از تصرف نمودن مدعی لااقل یکسال در تصرف او بوده و بدون رضایت و بقیر وسیله قانونی از تصرف او خارج شده و بیش از یکسال از تاریخ تصرف عدوانی نگذشته است.